

متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و گروهی از پرسنل نیروی انتظامی - 17 / مهر / 1378

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا ایام مربوط به بزرگداشت و معرفی نیروی انتظامی را به همه شما حضار محترم و فرماندهان زحمتکش و سختکوش نیروی انتظامی و یکایک آحاد این نیروی پهناور و سراسری تبریک عرض می‌کنم و برای تلاشها و زحماتتان، به همه شما صمیمانه خسته نباشید می‌گویم.

در همه جا، نیروی انتظامی يك فصل مشترك میان آحاد مردم در کوچه و خیابان و مسکن و محل کار و جاده و بیابان و مرز - هرجا که مردم هستند - و میان دستگاه اداره کننده کشور است. در واقع، آن نمونه و مسطوره ای که مردم همه جا، از مأمور دولتی و خدمتگزار مردم در کسوت خدمتگزاران دولتی، به چشم خود مشاهده می‌کنند، نیروی انتظامی است؛ لذا همه خصوصياتی که در نیروی انتظامی وجود دارد، خواهی نخواهی در ذهن آحاد مردم، بر خصوصيات دستگاه مدیر کشور منطبق می‌شود.

اگر ما عرض کردیم که نیروی انتظامی باید مظهر عزت و اقتدار و رحمت باشد - و تأکید هم می‌کنیم - این در واقع نوعی نشان دادن عزت و اقتدار و رحمت مدیریت کشور است. به چه کسی؟ نه به يك قشر خاص، نه به مردم معینی از آحاد کشور یا در منطقه ای از مناطق کشور؛ بلکه به همه. چرا؟ چون نیروی انتظامی همه جا هست. من در این جا خصوصیت امانت در برابر عرض و مال و جان و محارم و خانه و محل کار مردم را اضافه می‌کنم. رعایت امانت، یکی از اساسیترین و مهمترین کارهاست.

زحمات نیروی انتظامی، دقیقاً همان چیزهایی است که به این نیرو ارزش می‌بخشد؛ مردم هم آن را می‌بینند و احساس می‌کنند. آن کسی که در خانه خود با آرامش شب را صبح می‌کند، یا محل کسب خود را در منطقه ای دور از دسترس خود رها می‌کند و در خانه آرام می‌خوابد، به شما مطمئن است. آن کسی که به تنهایی سوار خودرو می‌شود و يك جاده ی طولانی را در پیش می‌گیرد که ساعتهای متمادی باید در این جاده طی طریق کند، او به اعتماد شماست؛ چون شما حاضرید؛ چون شما شانه های خود را زیر بار این خدمت بزرگ داده اید؛ چون شما در مقابل خطراتی که متوجه اوست، سینه سپر می‌کنید. لذا او احساس آرامش می‌کند؛ این خیلی افتخار است.

بزرگترین خصوصیت اجتماعی و نیاز يك جامعه، چند خصوصیت است. یکی از این چند خصوصیت، «امنیت» است. اگر امنیت نباشد، بسیاری از خیرات جامعه، از آن جامعه رخت خواهد بست. امنیت را در بخش عظیمی از زندگی و حیات اجتماعی و فردی مردم، نیروی انتظامی تأمین می‌کند. این را باید نعمتی از خدا متوجه به خود بدانید.

هرکسی که در این نیرو و در این لباس خدمت می‌کند، باید احساس کند که این خدمت، يك نعمت و يك برکت الهی است؛ آن را قدر بداند. قدر دانستن هم به این است که برای آن، حقیقتاً از وجود خود مایه بگذارد.

من به شما عرض کنم: ما در نیروی انتظامی و در بسیاری از بخشها، از نیروی انسانی مؤمن، کارآمد، توانا، هوشیار و دارای حظّ وافر از تجهیز علمی، برخورداریم. در نیروی انتظامی، انسانهای مؤمنی وجود دارند که حقیقتاً آن امتحانی که برای آنها پیش می‌آید، شاید کمتر کسی بتواند در مقابل آن امتحان به طور کامل سربلند بیرون آید؛ اما می‌دانیم و خبر داریم که عناصری از این نیرو هستند که به خاطر روح امانت، در مقابل این امتحانهای سخت، سربلند بیرون می‌آیند. اینها خیلی با اهمیت است. اگر نیروی انتظامی با اتکاء به این انسانهای مؤمن و به این نظامی که انسان مؤمن می‌پرورد، بخواهد به اهداف والایی که این نیرو دارد، برسد - که ان شاءالله هم می‌تواند به آن اهداف برسد - باید همه تلاشها و همتها متوجه به این قضیه شود؛ یعنی شما کار را به عنوان يك خدمت و به عنوان يك وظیفه و آن امکان قانونی را که در اختیار شماست، به عنوان يك ابزار تقرب الی الله بگیرید و در نظر بگیرید.

همیشه فساد انسانها آن وقتی شروع می‌شود که آن اختیار و امکانی را که در دست آنهاست، به عنوان يك ابزار شخصی به حساب بیاورند، نه به عنوان يك ابزار برای انجام وظیفه الهی. این آن نقطه انحطاط و انحراف است. همه جا انسانهای والا آن انسانهایی هستند که همه آنچه را که در اختیار دارند، متعلق به خدا و وظیفه خدایی می‌دانند و

آن را در راه وظیفه الهی - آن جایی که جای صرف آن است - بی دریغ صرف می کنند. افتخاری برای نیروهای مسلح ما - از جمله نیروی انتظامی - بالاتر از این نیست که در مواردی، نشان داده که آماده است آنچه را که در اختیار دارد، در راه خدا مصرف کند.

مراقب باشید خط مستقیم و راه شناخته شده و درست را - که راه وظیفه و راه قانون است - از دست ندهید و رها نکنید. انسان وقتی با مردم مواجه است، کار ظرافت پیدا می کند. هم انجام وظیفه، هم نشان دادن اقتدار قانون، هم جلوگیری از هرگونه تخطی و تجاوز از قانون، هم نشان دادن صلابت انجام وظیفه، هم نشان دادن رحمت؛ ببینید مرز اینها چقدر به هم نزدیک است و چقدر این خطی که از میانه این همه نشانه و علائم می گذرد، خط ظریفی است. هرچه موفقیت در این نظام و برای این مردم به وجود آمده است، برای رعایت همین خصوصیات است. از طرفی رعایت وظیفه و رعایت قانون؛ از طرفی محبت به مردم، به کسانی که انسان با آنها مواجه می شود؛ سختگیری در موارد تخلف؛ در عین حال محبت و گذشت در موارد قابل گذشت؛ خود را، احساسات خود را، شأن خود را در مقابل وظیفه نادیده گرفتن؛ ابزار قانونی را، امکان شخصی را به عنوان وسیله ای برای تقرب الی الله به کار بردن. ببینید؛ وقتی همه این چیزها با هم شود، آن وقت فضل و کمک و تأیید الهی حتمی است. خدای متعال در این مدت، این ملت و امام بزرگوار ما را - که انصافاً مظهر همه این خصوصیات بود - به کمک همین خصوصیات تأیید و کمک کرد و پیش برد.

هرچه ما در دنیا تخطی مشاهده می کنیم و فساد و انحطاط و انحراف از جاده انسانیت می بینیم، به خاطر این است که این مرزها به هم ریخته است؛ حرفهایی می زنند، برطبق آن حرفها عمل نمی کنند؛ ادعایی می کنند، علناً برخلاف آن ادعا رفتار می کنند؛ ادعای حقوق بشر و بوق دعوی حقوق بشر آنها گوش همه را کر می کند؛ اما در مقابل چشم همه، هواپیماهای اسرائیلی می آیند و مردم بی پناه لبنان را بمباران می کنند و چقدر انسانهای بی گناه را می ترسانند، یا مجروح می کنند، یا به قتل می رسانند و چشمهای ناظر جهانی همین طور بی تفاوت نگاه می کنند! قول بدون عمل؛ ادعای دروغ! لذاست که از دید صاحب نظرانی که امروز مسائل دنیا را با دقت زیرنظر دارند - حتی غیرمسلمان - آینده برای نظامهای مادی دنیا، آینده روشنی نیست؛ آینده برای کسانی که در راه خدا حرکت نمی کنند، آینده تیره و مبهمی است: تعارضهای انسانی، تعارضهای جغرافیایی، گسترش فقر و محرومیت در سرتاسر دنیا، گرفتاری آن کسانی که ثروتهای دنیا را برای خودشان جمع کرده اند، نابودی و تباهی نسلهای گوناگونی که امروز پی در پی در دنیا وارد میدان می شوند؛ نسل جوان و نسل کودکان. این، درست بعکس آفاق امت اسلامی و ملتهایی است که متمسک به معنویت باشند؛ راه خدا و ضوابط خدایی و اخلاق حقیقی انسانی را رعایت کنند. برای همین هم هست که ملت ما توانسته است در مقابل این همه دشمنی بایستد. دشمنیهایی که با ملت ما می شود، حقیقتاً بی نظیر است؛ اما با وجود همه اینها، این ملت توانسته است راه خود را ادامه دهد و پیشرفت کند. البته مشکلات برسر راه ما زیاد است؛ لیکن وجود مشکل، هرگز یک راهرو جدی و مؤمن را از ادامه حرکت باز نمی دارد و یک ملت را متوقف نمی کند. علی رغم این همه مشکلات، ان شاء الله این ملت پیش خواهد رفت.

توصیه مؤکد من به شما مسؤولان نیروی انتظامی، آحاد نیروی انتظامی، خدمتگزاران زحمتکش و خدوم و غالباً گمنام این نیرو - که با این که جلو چشم همه هستید، در عین حال خدمات و زحمات و رنجهای شما ندیده گرفته می شود - این است که کار خود را خدمت و وسیله تقرب الی الله بدانید و برای خدا کار کنید. هرچه می توانید از ضعفهای کار خودتان کم کنید؛ هرچه می توانید احساسات و خواست شخصی را در محیط کار دخالت ندهید؛ خود را و کسانی را که در حوزه کار شما تلاش می کنند، به انضباط و دقت و جد و جهد در کار آموزش دهید. این جد و جهد، این انضباط و این سختگیری بر خود، خواهد توانست آبروی نیروی انتظامی را به حدّ اعلی برساند؛ مردم را با زحمات و مشکلات شما بیش از گذشته آشنا کند؛ پیش خدای متعال هم وسیله روسفیدی است. در مجموعه خدمتگزاران کشور، شما یک عضو فعال هستید و جا دارد که هرچه می توانید، روش کار و رفتار و کیفیت عمل را به سمت نقطه مطلوب نزدیک کنید. کاری کنید که وقتی نام نیروی انتظامی آورده می شود، مردم از لحاظ روحی، هم احساس امنیت و آرامش کنند، هم مظهري از وظیفه شناسی همراه با عزّت و سربلندی را در مقابل

خودشان مشخص نمایند. این آن نقطه ای است که برای نیروی انتظامی حقیقتاً مایه فلاح و رستگاری است. امیدواریم خدای متعال به همه شما توفیق دهد و بتوانید آن چنان که خواست خدای متعال و وظیفه حساس ما در این دوران است، این تکلیف مهم و این شغل حساس را ان شاءالله به پیش ببرید و روزبه روز وضع نیروی انتظامی را به سمت کمال واقعی آن نزدیک کنید و ان شاءالله رفتار شما مورد قبول الهی و مورد رضای حضرت بقیةالله ارواحنافداه باشد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته